

Ebübekr b. Ayyâs

Goldziher, Zâhirîler, s. 3

Ebübekr

Nebhani, Huccetullah, 469

EBÛ Bekr
(Asîmin ra'isi)

TFS

297-18

Br42-i

İbnü Bâriş - K. İknâ: 1/116

⁸⁵
Ebubekr b. Ayyâs b. Sâlim el-Esedî,
Darimî, er-Redd ale'l-Cehmiyye, 99.

297-47

050085

07 EKİM 1992

● الروض الباسم في رواية شعبه عن
عاصم/تأليف محمد موسى حسين
نصر.. ط 1 .. عمان ، الأردن : دار
عمار ، 1986 .. 56 ص : 24 سم ..
ببليوجرافية : ص 53 .. \$ 1.76

دانشوران ناصری

در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی

نوشته:

جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار

جز ۲ سر ۲

چاپ دوم

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbağ No:	120101-3
Tasnif No:	

ناشر:

مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر

«قم»

27 MAYIS 1994

۲ ج رفتن ابوبکر نزد موسی و اعتراض او به موسی - ۱۶۱ -

آنجهت بزحمت مصاحبت انداختم که بر آنچه با این مرد طائفی گویم گواه گردی و ابلاغ حجیت را بگوش خویش اصفاء نمائی، گفتم ایها الشیخ که را میگویی؟ گفت: این کافر فاجر موسی بن عیسی را که والی ابن ملک است پس همی برفتم تا بدرج خانه موسی رسیدیم، و ابوبکر هرچنان سواره داخل شد، با آنکه درسم آن بود که مردم چون بدرگاه سرای موسی میرسیدند پیاده میشدند. حاجب موسی ابوبکر را بشناخت و از دخولش مانع نتوانست شد، ولی مرا نگذاشت که وارد شوم، ابوبکر ملتفت شد که مرا باز میدارد بانگ زد که ای ملعون ادرامانع میشوی با آنکه همراه من آمده؟ پس دربان بکناری شد و من از دنبال شیخ در آمدم، و ادرامانعی در برداشتم که تکمهای آن گشوده بود، و همی دراز گوش بر آمد تا داخل ایوان شد.

موسی بر صدر ایوان بر تخت خود نشسته بود، و علی الماده درین دیسارش گروهی مسلح قیام داشتند، چون دیده او بر ابوبکر افتاد مرحبا گفت و از او نزدیک خوانده و در کنار خویش بر تختش نشانید، و مرا نگذاشتند که داخل ایوان شوم. ابوبکر ملتفت من شد که در بیرون ایستاده ام عتاب کرد که و بحدک نزدیک من آی، من درون ایوان شدم و بابای افزود پیراهن و از او که در پای او برداشتم بیش وی برفتم، مراد بروی خود بنشانید. موسی با ابوبکر گفت: این همان است که بنزد من شفاعت ادرم نمودی؟ گفت: نی بلکه آوردن او برای شهادتست نه شفاعت. گفت: چه شهادت؟ گفت: چون آنچه تو با این قبر کرده ای نگریستم، آمدم تا سخنی بر تو ابلاغ کنم، و او بر اتمام حجیت من گواه باشد؛ گفت کدام قبر؟ گفت: قبر فرزند بتول سبط رسول حسین بن علی علیه السلام و موسی آن زمان زاری چند فرستاده بود تا تربت شریف حضرت امام ابو عبدالله علیه السلام را بشمارد نموده تمامت ارض حائر را بگاشته بودند، همینکه این کلام از ابن عیاش شنید چنان درخشم شد که نزدیک بود اندامش از هم بشکافد، و گفت: ترا بعمل من چکار است؟ گفت: بمان تا بگویم، زمانی چند از این پیش در واقعه دیدم که گویا من بعزیمت قبیله خویش در «بنی غاضره» از کوفه بیرون شدم، همینکه بقنطره رسیدم ده خنزیر (۱) از پیش روی من بیرون آمدند، و آهنگ من نمودند، و خدای تعالی مرا بحمایت مردی از بنی اسد

(۱) خنزیر: خوک

ابوبکر بن عیاش بن سالم الخياط

در نامری اختلاف است، بعضی «سالم» گفته اند، و برخی «شعبه» و بقولی اسم و کبیت از یکی است، هم مادرش، ابوبکر نام نهاده. نیز از او قبیله «بنی اسد» رسد. مورخ اربلی در روایات گوید «کان من ارباب الحدیث و العلماء المشاهیر». ابوبکر یکی از دوراوی عاصم بن ابی النجور بود که از قراء سبعه معدود شود و رازی دیگر ابوعمر بزاز است. این دوراوی موثق فن قرائت از عاصم اخذ نموده برای مردم روایت کرده اند. محمد بن اسعد یمنی در ترجمت ابوبکر آورده که:

قال بعضهم کان لا یقتر من التلاوة قرء اثناعشر الف ختمه و قبیل اربعة و عشرين الف ختمه یعنی گفته اند که ابوبکر هرگز از تلاوت کلام مجید فتور و کسالت نه بی یافت مدته العمر درازده هزار بار کلام پروردگار ختم کرد، و بقولی بیست و چهار هزار بار. از نوادر وقایع وی حکایتی است که بر علو منزلت و حسن عقیدتش دلیلی محکم باشد و شاهدی عادل، غواص بحار اخبار مجلسی در کتاب بحار الانوار و غیر آن از مصنفات خود از یحیی بن عبدالحمید حمانی روایت کرده که گفت: در زمانی که موسی بن عیسی الهاشمی حاکم کوفه بود نوبتی از منزل خویش بیرون آمدم و شیخ ابوبکر بن عیاش را دیدم که بر دراز گوش نشسته، همینکه چشمش بر من افتاد گفت: یایحیی، بیانا باهم بنزدیک ابن مرد روم. و من ندانستم که مراد او کیست، ولی تعظیم ابوبکر را همراه شدم، پس در رکاب او روانه گشتم، چون بخانه ای که بدار عبدالله بن بن حازم معروف است رسیدیم، روی سوی من کرد و گفت: ای پسر حمانی، تو را از



مسالك الأَبصار في ممالك الأَمصار

منشورات

معهد تاريخ العلوم العربية والإسلامية

يصدرها

فؤاد سزكين

09 MAYIS 1991

تأليف

ابن فضل الله العمري

شهاب الدين أحمد بن يحيى

(توفي ٥٧٤١هـ)

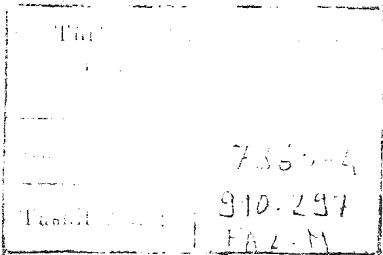
السفر الخامس

سلسلة ج

عيون التراث

المجلد ٥/٤٦

Abubekr b. Ayyub



يصدره

فؤاد سزكين

بالتعاون مع

علاء الدين جوخوشا، إيكهارد نويباور

مسالك الأَبصار في ممالك الأَمصار

السفر الخامس

طبع بالتموير عن مخطوطة ٢٤١٨

أياصرفيا، مكتبة السليمانية

استانبول

١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م

معهد تاريخ العلوم العربية والإسلامية

في إطار جامعة فرانكفورت - ألمانيا الاتحادية

يقول للفقراء المهاجرين الذين أخرجوا من ديارهم وأموالهم إلى قوله وأولئك هم الصادقون فاستمهاه الله صادقا فليلين كذبهم قالوا بالخليفة رسول الله وقال لحي الجاني بخديني أبو بكر بن عباس قال حيث ليته إلى زعمهم فاستنبتت سند لولا لبنا وعسلاة وقال أبو هاشم الزناعمي سمعت أبا بكر يقول الخلق أربعة معذور ومحبوز ومحبوز ومحبوز فالمعذور المهاجر والمحبوز المرام والمحبوز المملكة والمحبوز المجرى وقال أبو هريرة في نفع السلوب السلامة وكفي بها عافية وأدب صرر المنطق الشهرة وكفي بها عافية وقال من زعم أن القرآن مخلوق فهو عندنا كافر زنديق عدو لله لا نجائته ولا نطقه وقال أبو بكر الرضوي في العلم شمله والخروج منه إلى الله شديد وقال عبد الله بن المبارك ما زلت أحرص على السند من أبي بكر وقال الجاني لما حضرت أبا بكر الوفاء بكنت أخته فقال لها ما يبكيك انظني إلى تلك الزاوية قد ختمت بها ثمان عشرة ختمه وتولى ما جرى الأولى سنه ثلث وتسعين ومائة قال أحمد بن حنبل وكان صاحب قرآن خير

ومنهم يحيى بن المبارك بن المغيرة العدوي أبو محمد المقرئ النحوي اللغوي عزوف باليزيدي لأتصاله بيزيد بن منصور خال المهدي بوذب ولده وهديب سودره وكان يصيح للشبان صنع الخبثان صحح القصد في تصانيفه الحسان علم هدايه لا يصلح به اهتدي والاضترس به التدي قرأ عليه أعيان القراء وكان له لخبثا خالف بينه وبينهم ولم يعرك عن الطريفة الغراء جود القرآن عينا

ومنهم أبو بكر بن عياش بن سالم الأسدي الكوفي أحد الأعلام كان ذا علم نافع لا ينعه وعمل صالح لا يقطعه وزهد بزي انك شئ ينفعه أخذ عن عاصم نعيم وعمر دهم لم يعمر ولم يصم منج بالعزيز المريد وأدرك سلطان بني أسية وعمر إلى أمير الرشيد وكان حجة لا يسع خصها الجود ولا يحتاج مع الامراز إلى أداء اليهود ولد سنة خمس وتسعين وقرآ القرآن ثلث مرات على عاصم وعمر دهم وكان يقول انما نصف الاسلام وكان سيدا اما حجة كثير العلم والعمل منقطع القرين قرأ عليه أبو الحسن الهادي وجهه وزوي عنه خلق قال عثمان بن أبي شيبة احضر الرشيد أبا بكر بن عياش من الكوفة فجاء معه وكعب فدخل وكعب يقول فادناه الرشيد وقال ادركت أيام بني أسية وأيامنا فانا خير بال أولئك كانوا انفع للناس وانتم أقوم بالصلاة فصرفه الرشيد واجازة بسنة الآف دينار واجاز وكعبا بثلاثة آلاف دينار وقال أبو عبد الله النخعي لم يفرش لاني لم يفرش عياش فراس خمسين سنة وروي انه ملك أربعين سنة لحتم القرآن في كل يوم وليلة وقال يحيى بن سعيد زالت أبا بكر بن عياش إلى مكة فماتت أوج سنة ولقد أهدى لله رجل رطبا بلفه انه من البستان الذي أخذ من خالد بن مسلمة المخزومي فأتى آل خلد فاستحلهم وصدق بمنه وقال أبو عبد الله المعطلي زالت أبا بكر بن عياش بمكة فأتى سفين بن عيينة بيزيد بين يديه فجاء رجل فسأل سفين عن حديث فقال انما أنا ما دام هذا الشيخ قاعدا أو قال أبو هاشم الزناعمي سمعت أبا بكر بن عياش يقول أبو بكر خليفة رسول الله في القرآن لأن الله تعالى

- ٤٨- مقاصد الشريعة عند ابن تيمية - يوسف أحمد محمد البدوى - دار النفائس، الأردن - الطبعة الأولى ١٤٢١هـ / ٢٠٠٠م.
- ٤٩- المقاصد العامة للشريعة الإسلامية - بن زغبة عز الدين.
- ٥٠- المقاصد العامة للشريعة الإسلامية - يوسف العالم - دار الحديث، القاهرة.
- ٥١- مقاصد المكلفين فيما يتعبد به لرب العالمين - عمر سليمان الأشقر - مكتبة الفلاح، الكويت - الطبعة الأولى ١٩٨١م.
- ٥٢- مناهج الاجتهاد فى الإسلام - محمد سلام مذكور - طبعة جامعة الكويت.
- ٥٣- المنحول من تعليقات الأصول - للفضالى - دار الفكر، دمشق - ط٢ - ١٩٨٠م.
- ٥٤- مناهج السنة النبوية - لابن تيمية - تحقيق: محمد رشاد سالم - مؤسسة قرطبة - مصر - الطبعة الأولى ١٩٨٦م.
- ٥٥- مناهج الوصول إلى علم الأصول - للبيضاوى، دار الفكر - الخرطوم - ط١ - ١٩٨٠م.
- ٥٦- الموافقات - للشاطبي - شرح عبد الله دراز - المكتبة التجارية، مصر - الطبعة الثانية.
- ٥٧- نظرية المصلحة فى الفقه الإسلامى - حسين حامد حسان - مكتبة المتنبى - القاهرة.
- ٥٨- نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي - أحمد الريسونى - المعهد العالمى للفكر الإسلامى - الطبعة الرابعة ١٤١٦هـ / ١٩٩٥م.
- ٥٩- نظرية المقاصد عند الإمام محمد الطاهر بن عاشور - إسماعيل الحسنى - المعهد العالمى للفكر الإسلامى - الطبعة الأولى ١٩٩٥م.
- ٦٠- نهاية السؤل فى شرح مناهج الوصول - للإسنوى - عالم الكتب، القاهرة ١٩٤٣م.

" أبو بكر بن عيَّاش "
أحد رواد المدرسة الإخبارية الكوفية
د. عوض عبد الكريم الذنبيات*

ملخص

هذه محاولة لدراسة أحد قراء الكوفة، ورواد المدرسة الإخبارية فيها، وهو أبو بكر بن عيَّاش، وقد شملت الدراسة على تعريف بحياته من حيث اسمه ونسبه وأسرته وزهده وورعه وتكوينه الثقافى ومكانته العلمية، ثم ولادته ووفاته، ورسم هيكل تفصيلى لرواياته، والموضوعات التى تناولها، ومنهجيته، ومصادر رواياته، وتلاميذه. وقد خلصت الدراسة إلى أن أبا بكر بن عيَّاش كان متعدد الاهتمامات فيما تناوله من موضوعات، وأن من جاءوا من بعده اعتمدوا على منهجه الإخبارى فيما صنّفوه من كتب فى الحديث والسير والتاريخ والتراجم والأدب.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی

جلد پنجم تهران ۱۳۷۲

ابوبکر بن عیاش ۲۴۵

یکی از دو تن راوی قرائت کوفی عاصم و از اصحاب حدیث. در منابع حدود ۱۴ نام برای او ذکر کرده‌اند. ولی بیشتر ابوبکر و گاه شعبه به عنوان نام او شناخته شده است (نک: خطیب، ۳۷۲/۱۴ - ۳۷۵؛ یاقوت، ۹۰/۷ - ۹۱). او را مولای بنی کاهل از قبیله اسد دانسته‌اند (بخاری، ۲۴۹/۲). ابوبکر بین سالهای ۹۴ - ۹۷ ق در کوفه زاده شد و در همانجا پرورش یافت (بسوی، ۱۵۰/۱، ۱۸۲؛ ابن حبان، ۶۷۰/۷؛ ابن عدی، ۱۳۴۳/۴). وی را از آن جهت که در کوفه با فروش گندم روزگار می‌گذراند، حنّاط خوانده‌اند (سمعی، ۲۷۰/۴؛ نیز نک: خطیب، ۳۷۱/۱۴، که در آن حنّاط به خیاط تحریف شده است).

ابوبکر به گفته خود تا ۱۶ سالگی تلاش چندانی برای کسب دانش نداشته است (یاقوت، ۹۶/۷ - ۹۷)، آنگاه ۳ سال نزد عاصم قرائت را فرا گرفت و همزمان با آن تفسیر را از کلبی و فقه را از مغیره آموخت (همو، ۹۷/۷؛ ذهبی، سیر، ۵۰۲/۸ - ۵۰۳). او همچنین از بسیاری مشایخ کوفه روایت حدیث کرده که از آن جمله می‌توان به ابواسحاق سبعی، اعمش و استاد قرائتش عاصم اشاره کرد (نک: خطیب، ۳۷۱/۱۴ - ۳۷۲). بسیاری از محدثان عراق همچون عبدالله بن مبارک، یحیی بن آدم، ابو داوود طیالسی، ابوبکر و عثمان پسران ابی شیبه، احمد بن حنبل، وکیع بن جراح و اسحاق بن راهویه از وی روایت کرده‌اند (همانجا؛ مزی، ۱۳۲/۲۱ - ۱۳۴؛ ذهبی، همان، ۴۹۶/۸). ابوبکر همچنین مدتی در بغداد به نقل حدیث پرداخت و از جمله کسانی که در آنجا از وی استفاده برده‌اند، بشر حافی را می‌توان نام برد (خطیب، همانجا؛ ابن کثیر، ۲۹۷/۱۰). ابوبکر در شعر و ادب نیز دستی داشته است، چنانکه در منابع ابیاتی به او نسبت داده‌اند (نک: خطیب، ۳۸۱/۱۴ - ۳۸۲؛ یاقوت، ۱۰۶/۷). وی با فرزدق و ذوالرمة دیداری داشته و ابیاتی از آن دو روایت کرده است (میرد، ۱۱۸/۱؛ یاقوت، ۹۳/۷ - ۹۹ - ۱۰۰).

ابوبکر در روایت حکایات و اخبار تاریخی سهم بسزایی دارد، چنانکه روایات متعددی از وی در کتابهای تاریخی (نک: ابوزرع، ۲۹۵/۱، ۴۷۹، جم: وکیع، ۹۳/۱، ۳/۲، جم: طبری، ۴۳۳/۳، ۲۰۴/۴، جم) و کتب «طبقات الاولیاء» (ابونعیم، ۵۰/۴، ۱۸۳، جم: عطار، ۲۶۴ - ۲۶۵) ضبط شده است.

از نظر رجالی، عقیلی (۱۸۸/۲ - ۱۹۰) و ابن عدی (۱۳۴۲/۴ - ۱۳۴۵)، ابوبکر را در جمله ضعیفا آورده‌اند، در حالی که ابن حبان (۶۶۸/۷ - ۶۷۰) و عجلی (ص ۴۹۲) او را در شمار ثقات نام برده‌اند و یحیی بن معین (۶۹/۱، ۸۲) او را صدوق خوانده است. احمد بن حنبل و فضل بن دکین که از شاگردان وی بوده‌اند و نیز ابن سعد او را کثیر الغلط خوانده‌اند (خطیب، ۳۷۸/۱۴، ۳۷۹؛ ابن سعد، ۳۶۹/۶).

شهرت اصلی ابوبکر در روایت قرائت عاصم است. به تصریح خود وی، از آنجا که کسی را در آقراء همپایه عاصم ندیده بوده، به ملازمت وی درآمده و مدت ۳ سال به فراگیری قرائت از او پرداخته و تنها زمانی از وی جدا شده که حتی حرفی را وا نگذاشته بوده است.

مشایخ او متجاوز از ۱۰۰ تن و بیشتر اهل حضرموت بودند. مشهورترین شاگرد او محمد بن عقیل علوی است (همو، ۲۹۴/۲ - ۲۹۵؛ علوی، ۲۴۸). وی به عنوان یک حلقه در اسانید کتب اجازات معاصر شناخته می‌شود (نک: کتانی، همانجا؛ فلمبانی، ۱۰۹ - ۱۱۰).

برخی از شرح حال نویسان، او را شافعی مذهب دانسته‌اند (نک: بستانی، ۲۶/۳؛ کحاله، ۶۴/۳)، در حالی که گروهی دیگر وی را در زمره عالمان شیعه آورده‌اند (نک: قمی، ۲۵/۱؛ امین، ۲۹۴/۲؛ آقابزرگ، همانجا). به هرحال پاره‌ای از اشعار دیوان او تردیدی باقی نمی‌گذارد که وی دوستدار اهل بیت (ع) بوده است (نک: امین، ۲۹۵/۲ به بعد). آثار: ابوبکر تألیفات بسیاری دارد که در حدود ۳۰ اثر از آنها شناخته شده (همانجا؛ حبشی، ۲۵۲) و برخی نیز به چاپ رسیده است: اسعاف الطلاب بیان مساحه السطوح و مایتوقف علیه من الحساب، هند، ۱۳۰۹ ق؛ اقامة الحجة علی التقی ابن حجة، در نقد بدیعیه ابن حجة حموی (هم، بمبئی، ۱۳۰۵ ق؛ تحفة المحقق بشرح نظام المنطق، در شرح ارجوزه‌ای از خود او در منطق، قاهره، ۱۳۳۰ ق؛ التریاق النافع بایضاح و تکملة مسائل جمع الجوامع، در اصول فقه شافعی، حیدرآباد دکن، ۱۳۱۷ ق (کتاب جمع الجوامع تألیف سبکی است)؛ حدائق ذریعة الناهض الی تعلم احکام الفرائض، که منظومه‌ای در ارث است، قاهره، ۱۳۰۳ ق؛ دیوان اشعار، سنگاپور، ۱۳۴۴ ق، که به گفته امین (همانجا) قسمتی از اشعار آن در چاپ حذف شده است؛ رشفة الصادی من بحر فضائل بنی النبی الهادی (ص)، قاهره، ۱۳۰۳ ق، که به نام الشاهد المقبول بفضل ابناء الرسول هم نامیده شده است؛ الشهاب الثاقب علی السباب الکاذب، حیدرآباد دکن، ۱۳۱۷ ق؛ العقود اللؤلؤیة فی انساب السادة العلویة بالدیار الحضرمیة، چاپ بمبئی، ظاهراً همین کتاب است که کتانی آن را «تألیفی عجیب در سلاسل آل باعلوی» خوانده است (۱۰۳/۱)؛ فتوحات الباحث بشرح تقریر المباحث فی احکام ارث الوارث، حیدرآباد دکن، ۱۳۱۷ ق، که شرح منظومه‌ای از خود مؤلف در احکام فرائض است؛ نظام المنطق (ارجوزه)، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق و چنانکه اشاره شد خود آن را شرح کرده است؛ نوافع الورد الجوری بشرح عقیده الباجوری، هند، ۱۳۱۷ ق؛ وجوب الحمیة عن مضار الرقیة، سنگاپور، ۱۳۲۸ ق.

مأخذ: آقابزرگ تهرانی، اعلام النبوة، قرن ۱۴، نجف، ۱۳۷۳ ق/ ۱۹۵۴ م؛ امین، محسن، اعیان النبوة، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ بستانی؛ حبشی، عبدالله محمد، مصادر الفكر العربی الاسلامی فی الیمن، صنعاء، مرکز الدراسات البینة؛ علوی، محمد بن عقیل، النصاب الکافیة لمن یتولی معاویة، بیروت، دارالزهراء؛ فلمبانی، محمد مختار الدین، بلوغ الامانی، جده، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م؛ قمی، عباس، الکتی والالقب، تهران، ۱۳۹۷ ق؛ کتانی، عبدالحی، فهرس الفهارس، دمشق، ۱۳۴۶ ق؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷ م.

أَبُو بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الْحَقِّ مَرِينِي، نک: بنی مرین.

050085 EBU BEKIR 6. AYVAŞ

أَبُو بَكْرِ بْنِ عِيَّاش، ابن سالم حنّاط کوفی (د ۱۹۳ ق/ ۸۰۹ م).

ابن شعيبان، محمد



لم نعثر على تاريخ ولادته أو وفاته، وعلى الرغم من أنه من رواد البحر الأواثل إلا أن آثاره على ما يبدو قد فقدت ولم تصل إلينا.

المصادر والمراجع

© سالم محمد، خالد، ربابنة الخليج العربي، الكويت 1982م.

د. نعمان الداهش صالح

جامعة بغداد - العراق

هـ رجال البحر الذين ظهرُوا في صدر الإسلام بجنوب الجزيرة العربية. وهو ينتمي إلى قبيلة الأزد المنتشرة في اليمن وعمان، وقد كان لأفراد هذه القبيلة باع كبير في الملاحة والتجارة البحرية مع السواحل الإفريقية.

وقد أشاد المسعودي بفضلهم ومهارتهم عندما زار جنوب الجزيرة العربية في بداية القرن الرابع الهجري، وقال إن صنّاع السفن في عمان هم من قبيلة الأزد، وإنهم عرفوا بالتفوق في عملهم.

شعبة، أبو بكر بن عياش



(712هـ / 712م - 193هـ / 808م)

وقال فيه ابن وهبان المزي (ت 768هـ/ 1366م): «وكان أبو بكر كَلْبَةً عالماً عابداً، زاهداً ورعاً، ناسكاً فاضلاً، علامة في وقته، آية في صدقه، قواماً بالليل، معدوداً في أئمة أهل الدين»؛ وقال عنه ابن مجاهد (ت 324هـ/ 935م): «إنه أضبط من أخذ عن عاصم»؛ وقال فيه الإمام الشاطبي (ت 590هـ/ 1193م) [من الطويل]:

فأما أبو بكر وعاصم اسمه
فشعبة راويه المبرر أفضلًا

هو أبو بكر شعبة بن عياش بن سالم الحنّاط (بائع الحنطة أي القمح) الأسدي النهشلي الكوفي، المقرئ، المحدث، وهو أحد الرواة المشهورين عن الإمام عاصم بن أبي النجود (ت 127هـ/ 744م) أحد القراء السبعة المعروفين.

وشعبة معدود من أبرز علماء القراءات، ذكره الذهبي (ت 748هـ/ 1347م) في كتابه «معرفة القراء الكبار» ضمن علماء الطبقة الرابعة من القراء؛ كما عده ابن الجزري (ت 833هـ/ 1429م) في كتابه «غاية النهاية» من أئمة علماء القراءات، ووصفه بأنه: «كان إماماً، كبيراً، عالماً، عاملاً، حجة، من كبار أئمة السنة»؛

agreed with Orbeli, one can estimate that Abū Bakr's cauldrons were made during the 5th/11th and 6th/12th centuries, because of the similarity between the inscriptions on these vessels and the Persian-style Kūfic inscriptions of 5th/11th century Qur'āns such as the 'Uthmān b. Ḥusayn al-Warrāq Qur'ān of 466/1073 and another of this variety in the hand of Abū Bakr Aḥmad b. 'Abd Allāh al-Ghaznawī copied in 573/1177 (Lings, 18). Consequently Orbeli's dating of the production of these artefacts is dubious at best, given that the main cities of Khurāsān, in particular Marw, where Abū Bakr was born and, almost certainly, where he produced his work, were devastated during the Mongol invasion in the early 7th/13th century and remained in ruins until the 8th/14th (see Yāqūt, *Buldān*, 4/509; Juwaynī, 1/127; Ibn Baṭṭūta, 1/388).

BIBLIOGRAPHY

Blair, Sheila S., *Islamic Calligraphy* (Edinburgh, 2006); D'Allemagne, Henry René, *Du Khorassan au pays des Backhtiaris* (Paris, 1911); Ibn Baṭṭūta, Muḥammad, *Rihla*, ed. Muḥammad 'Abd al-Mun'im al-'Uryān and Muṣṭafā al-Qaṣṣās (Beirut, 1407/1987); Ivanov, A. A., 'Abū Bakr Marvazī', *EIR*, vol. 1, p. 263; Juwaynī, 'Aṭā Malik, *Tārīkh-i jahān-gushā*, ed. Muḥammad Qazwīnī (Leiden, 1912–1937); Lings, M., *The Quranic Art of Calligraphy and Illumination* (London, 1976); Mayer, L. A., *Islamic Metalworkers and their Works* (Geneva, 1959); Scerrato, U., 'Oggetti metallici di età islamica in Afghanistan', *Annali*, Nuova Serie, 14 (Naples, 1954), pp. 673–714; Shikhsaidov, A. R., *Nadpisi Rasskazvaiut* (Makhachkala, 1969); Yāqūt, *Buldān*.

MOHAMMAD HASSAN SEMSAR
TR. RAHIM GHOLAMI

Abū Bakr b. 'Ayyāsh, Ibn Sālim al-Ḥannāt al-Kūfī (d. 193/809), was one of the two transmitters (*rāwīs*) of 'Āṣim's Kūfan reading (*qirā'a*) of the Qur'ān (the other being Ḥafṣ b. Sulaymān), and a member of the group known as *aṣḥāb al-ḥadīth*. The sources cite his name in some fourteen different forms, but he is mostly called Abū Bakr and sometimes Shu'ba (see al-Khaṭīb,

14/372–375; Yāqūt, 7/90–91). He was considered a *mawlā* (tribal client) attached to the Banū Kāhil of the Asad tribe (al-Bukhārī, 2/249). Abū Bakr was born in Kūfa between the years 94 and 97/713 and 716, and grew up there as well (al-Fasawī, 1/150, 182; Ibn Ḥibbān, 7/670; Ibn 'Adī, 4/1343). Since he made his living by selling wheat in Kūfa, he was called al-Ḥannāt, 'the wheat-seller' (al-Sam'ānī, 4/270; see also al-Khaṭīb, 14/371, where Khayyāt is a corruption of Ḥannāt).

As he himself explained, before the age of sixteen Abū Bakr did little studying (Yāqūt, 7/96–97), but after that he applied himself to the discipline of *qirā'a* with 'Āṣim for three years, simultaneously studying Qur'ānic exegesis (*tafsīr*) with al-Kalbī and jurisprudence (*fiqh*) with al-Mughīra (Yāqūt, 7/97; al-Dhahabī, *Siyar*, 8/502–503). He also narrated *ḥadīths* from many shaykhs in Kūfa, including Abū Ishāq al-Sabī'ī, al-A'mash and his master of *qirā'a*, 'Āṣim (see al-Khaṭīb, 14/371–372). Similarly, many Iraqi *muhaddīths* (traditionists), such as 'Abd Allāh b. al-Mubārak, Yaḥyā b. Ādam, Abū Dāwūd al-Ṭayālīsī, Abū Bakr b. Abī Shayba and his brother 'Uthmān b. Abī Shayba, Aḥmad b. Ḥanbal, Wakī' b. al-Jarrāh and Ishāq b. Rāhawayh, transmitted *ḥadīths* from him (al-Khaṭīb, 14/372; al-Mizzī, part 21, fols. 132–134; al-Dhahabī, *Siyar*, 8/496). Abū Bakr continued to narrate *ḥadīths* in Baghdad for some time: an important figure who learnt from him during this period was Bishr al-Ḥafī (al-Khaṭīb, 14/372; Ibn Kathīr, 10/297). Abū Bakr had some familiarity with poetry and literature, and the sources attribute some verses to him (see al-Khaṭīb, 14/381–382; Yāqūt, 7/106). He met al-Farazdaq and Dhū al-Rumma, and cited some of their verses (al-Mubarrad, 1/118; Yāqūt, 7/93–99, 100).

Abū Bakr also played an important role as a narrator of historical reports (*akhbār*), and several of his narrations are included in historical sources (see Abū Zur'a, 1/295, 479 et passim; Wakī', 1/93, 2/3 et pas-